



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه مطالعات
امنیت و پیشرفت
I.S.D.S

تأثیرات جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی

بر نظم منطقه‌ای شامات

ابرا‌رنگار ۱۸۱ | مرداد ۱۴۰۴

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت

پژوهشکده ابرار معاصر تهران



تأثیرات جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی

بر نظم منطقه‌ای شامات

ابرا رنگار ۱۸۱

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت

پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

۱۴۰۴

تأثیرات جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی بر نظم منطقه‌ای شامات
تدوین و انتشار: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
تاریخ انتشار: مرداد ۱۴۰۴

تلفن و دورنگار: ۸۸۹۱۲۴۳۶-۸۸۹۰۱۹۵۷

نشانی اینترنت: www.tisri.org

تیراژ: محدود

خلاصه مدیریتی

- در برهه پس از جنگ ۱۲ روزه، فشارها در جهت خلع سلاح حزب الله به شدت افزایش یافته است. در عرصه سیاست داخلی نیز با تقویت جریان های معارض و غیرهمسو، موازنه سیاسی جدیدی علیه حزب الله شکل گرفته است و از طریق درگیرسازی این جنبش در پرونده های امنیتی جدید، تلاش می شود تا به پایگاه اجتماعی حزب الله ضربه وارد شود.

- از دیدگاه رژیم صهیونیستی، فرصت مناسبی برای تضعیف پایگاه اجتماعی حزب الله پدید آمده است. این امر مستلزم تقویت حکومت مرکزی لبنان در جهت ارائه خدمات اجتماعی جایگزین و فلج سازی توانایی حزب الله در ارائه این خدمات با قطع بودجه و زیرساخت های آن است. لازمه تحقق این سناریو، هدف قرار دادن کانال های مالی حزب الله و تعطیلی پلتفرم های اجتماعی حزب است.

- دولت ترامپ خواستار ورود کنترل شده حکومت الشرع به پرونده لبنان است. یکی از خواسته های اخیر تام باراک از مقامات لبنانی، هماهنگی با دمشق برای رسیدگی به مسائل حل نشده بین لبنان و سوریه از جمله تعیین مرز و مسئله پناهندگان سوری در لبنان است. در دمشق مطابق هماهنگی های به عمل آمده، رژیم صهیونیستی در حال استقرار کریدور زمینی دروزی- کردی با هدف تکمیل حلقه های راهبرد محاصره راهبردی ایران است.

در صحنه داخلی لبنان، دوگانه «سلاح حزب‌الله برای لبنان» یا «سلاح حزب‌الله برای ایران»، سطح و دامنه کنشگری جنبش در شرایط بحرانی همچون جنگ ایران و رژیم صهیونیستی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در شرایطی که «سلاح حزب‌الله» در حوزه منطقه‌ای و در پیوند ارگانیک با محور مقاومت (وحدت میدان‌ها) معنا و مفهوم خود را از دست دهد، در صحنه داخلی نیز سلاح به مثابه چالشی برای کارویژه نظامی دولت مرکزی انگاره‌سازی می‌شود.

مقدمه

در ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ رژیم صهیونیستی در راستای تغییر موازنه راهبردی و پی-ریزی و تحکیم نظم مطلوب منطقه‌ای خود سطح رویارویی با ایران را وارد فاز درگیری نظامی مستقیم کرد. از این حیث می‌توان گفت جنگ ۱۲ روزه در ادامه حملات رژیم صهیونیستی به حماس در نوار غزه، حزب‌الله در لبنان، کمک به سقوط نظام اسد در سوریه و تشدید حملات به انصارالله یمن دارای آثار و تبعات منطقه‌ای است (Hendrix, 2025). در این میان، زیرسیستم شامات به‌عنوان حلقه میانی و واسطه دو طرف طبیعتاً از روند جنگ و پویایی‌های مرتبط متأثر گردید. مقاله حاضر به بررسی تأثیرات جنگ مذکور بر نظم زیرسیستم شامات می‌پردازد. تحولات مذکور از این جهت حائز اهمیت است که کنشگران محور مقاومت تحت فشار فزاینده آمریکا و رژیم صهیونیستی برای خلع سلاح و الحاق به روند در حال تحول نظم منطقه‌ای قرار دارند و حکومت‌های مرکزی در کشورهای عراق، سوریه و لبنان نیز تحت تأثیر تغییرات در موازنه سیاسی داخلی روند مذکور را تسریع کرده‌اند. از آنجایی که راهبرد آمریکا و رژیم صهیونیستی در قبال کشورهای زیرسیستم شامات از اصول نسبتاً مشابهی پیروی می‌کند، نوعی پیوستگی و اتصال در نظام مسائل این کشورها وجود دارد.

۱. پیامدهای جنگ اخیر برای حزب‌الله

اعتقاد بر این است که جنگ ایران و رژیم صهیونیستی با افزایش فشارهای

سیاسی، اقتصادی و نظامی بر حزب‌الله کنشگری این جنبش در حوزه‌های مذکور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، از طریق تشدید فشارهای داخلی- خارجی و قرار دادن حزب‌الله در تنگنای راهبردی تلاش بر این است تا هزینه‌های کنشگری جنبش در صحنه داخلی لبنان و محیط منطقه‌ای به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد.

۱-۱. خلع سلاح حزب‌الله در شرایط پس از جنگ ۱۲ روزه

فشارهای خارجی علیه حکومت مرکزی لبنان در جهت اتخاذ گام‌های عملی به‌منظور خلع سلاح حزب‌الله در دوره بعد از جنگ ۱۲ روزه به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. در مرحله نخست، تشدید فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی بر بیروت جهت اجرای کامل مفاد قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت و توافق آتش‌بس منتهی به جنگ ۳۳ روزه در دستور کار قرار گرفت. فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا با همراهی کشورهای عربی به‌موازات تهدیدات نظامی رژیم صهیونیستی به گونه‌ای سازماندهی شده که حکومت مرکزی لبنان را ناگزیر از اجرای سناریوی خلع سلاح نماید.

بحث‌های فزاینده‌ای در لبنان در مورد سازوکار پیشنهادی «گام به گام» به-عنوان چهارچوب عملی برای رسیدگی به مسئله خلع سلاح حزب‌الله مطرح است. در این سناریو، رژیم صهیونیستی اقدامات ملموسی از جمله عقب‌نشینی از پنج نقطه راهبردی تحت اشغال، آزادی بازداشت‌شدگان لبنانی و توقف حملات و ترورها را به اقدامات عملی حزب‌الله برای خلع سلاح منوط کرده است. طرح «نقشه راه» شش صفحه‌ای تام باراک، فرستاده ویژه ایالات متحده در امور سوریه و لبنان در ۱۹ ژوئن ۲۰۲۵ سه مرحله کلیدی را در این زمینه مشخص می‌کند: خلع سلاح داوطلبانه در مناطق غیرنظامی و تحویل تسلیحات به ارتش لبنان، کنترل دولت بر مرز سوریه و قانونی که بازیگران

مسلح غیردولتی را از نگهداری سلاح منع می‌کند. تأکید بر این است که طرح مذکور براساس جدول زمانی مشخص و چهارچوب اجرایی انجام گیرد. در ازای پیشبرد روند خلع سلاح، قرار است ایالات متحده ۲,۵ میلیارد دلار کمک اضطراری در اختیار لبنان قرار دهد (The Emirates Policy Center, 2025).

۲-۱. تقویت تلاش‌ها برای موازنه سیاسی حزب‌الله در صحنه داخلی

اظهارات شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان در خصوص عدم بی‌طرفی حزب‌الله در جنگ ایران و رژیم صهیونیستی - آمریکا با واکنش گروه‌های سیاسی لبنانی مواجه شد. با فاصله کوتاهی از این اظهارات، تام باراک در جریان سفر به لبنان هشدار داد که مداخله حزب‌الله در جنگ ایران و رژیم صهیونیستی «تصمیمی بسیار بد» خواهد بود (الغد، ۲۰۲۵). از ساعات آغازین شروع جنگ نیز جوزف عون و نواف سلام با تأکید بر ضرورت اتخاذ موضع بی‌طرفی، نسبت به لزوم دور نگه داشتن لبنان از پیامدهای این نبرد تأکید کردند.

«سمیر جعجع»، رهبر نیروهای لبنانی (جریان قوات لبنان)، خطاب به دبیرکل حزب‌الله اعلام کرد: «شیخ نعیم، شما نمی‌توانید هر طور که صلاح می‌دانید عمل کنید. تنها دولت لبنان می‌تواند هر طور که صلاح می‌داند عمل کند، چراکه نماینده اکثریت مردم لبنان است. اگر پیشنهادی در مورد جنگ اسرائیل و ایران دارید، می‌توانید آن را به نمایندگان خود در دولت ارائه دهید تا در اولین جلسه کابینه ارائه دهند». نبیه بری، رئیس پارلمان نیز تحت فشارها اعلام کرده بود حزب‌الله وارد جنگ نمی‌شود و جبهه‌ای در لبنان باز نخواهد شد (الشرق الأوسط، ۲۰۲۵). در چنین شرایطی واضح است که موازنه‌سازی سیاسی در صحنه داخلی به میزان زیادی قدرت تحرک و مانورپذیری سنتی حزب‌الله در حوزه منطقه‌ای را کاهش می‌دهد.

۱-۳. درگیرسازی حزب‌الله به پرونده‌های امنیتی جدید

عقب‌نشینی حزب‌الله از جنوب رودخانه لیتانی (حدود ۳۰ کیلومتری مرز) گام نخست درگیرسازی جنبش به پرونده‌های امنیتی جدید بود. این سناریو قرار است در قالب پیشبرد پروژه خلع سلاح و حذف کامل حزب‌الله از معادلات نظامی و امنیتی لبنان تکمیل گردد. بدون تردید ارتش لبنان از توانایی لجستیک و رزمی لازم برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی برخوردار نیست؛ لذا در شرایط تداوم گزینه مقاومت یا حتی موافقت تدریجی با عقب‌نشینی تاکتیکی، پای حزب‌الله به پرونده‌های جدید امنیتی داخلی باز می‌شود. درگیرسازی حزب‌الله به منازعات فرقه‌ای- مذهبی تهدیدی بالقوه است. در منطقه بقاع، عقب‌نشینی حزب‌الله از مواضع نظامی و تحویل سلاح‌ها، خطر ایجاد یک خلأ امنیتی را به‌همراه دارد. حزب‌الله از نظر تاریخی نقش مهمی در مدیریت تنش‌ها و مهار نفوذ گروه‌های غیرقانونی از جمله باندهای مافیا و جناح‌های قبیله‌ای در این منطقه ایفا کرده است. این موضوع تاکنون از طریق تفاهم غیررسمی لبنان و سوریه (در دوره نظام سابق) مدیریت می‌شد و حزب‌الله از نفوذ نظامی خود برای کنترل مناطق مذکور استفاده می‌کرد. با توجه به تغییر نظام سیاسی در سوریه، ایجاد خلأ امنیتی و توانایی محدود ارتش لبنان، اکنون نیاز مبرمی به ایجاد ترتیبات امنیتی جدید در بقاع وجود دارد. این ترتیبات احتمالاً مستلزم همکاری با احمد الشرع خواهد بود (The Emirates Policy Center, 2025). لذا ورود حکومت الشرع به پرونده لبنان، این کشور و حزب‌الله را وارد مسائل و پرونده‌های امنیتی متعددی خواهد کرد.

۱-۴. پایگاه اجتماعی حزب‌الله؛ هدف محوری رژیم صهیونیستی در دوران پس از جنگ ۱۲ روزه

از دیدگاه محافل پژوهشی رژیم صهیونیستی، در شرایط کنونی فرصت

مناسبی برای تضعیف پایگاه اجتماعی حزب الله پدید آمده است. این امر مستلزم دو اقدام کلیدی است: نخست، ورود دولت لبنان برای ارائه خدمات اجتماعی که حزب الله در حال ارائه آنهاست (مراقبت های بهداشتی، آموزش، سوخت و توزیع مواد غذایی) و دوم، فلج سازی توانایی حزب الله در ارائه این خدمات با قطع بودجه و زیرساخت های آن. لازمه تحقق این سناریو، هدف قرار دادن کانال های مالی حزب الله از جمله بانک ها، مؤسسات مالی و شرکت های صرافی مرتبط و تعطیلی پلتفرم های اجتماعی حزب از جمله مدارس، تشکیلات دانشجویی و پمپ بنزین ها است. چنانچه انتخابات شهرداری ها نشان داد، این سطح از کنشگری حزب الله سوخت لازم را برای حمایت مردمی جنبش فراهم می کند. لذا قطع این پیوند (لایه اجتماعی کنشگری حزب الله)، تنها راه خنثی سازی قدرت و نفوذ واقعی حزب الله است (Zehavi, 2025).

تشدید فشارهای آمریکا و فرانسه به حکومت مرکزی لبنان برای تصویب طرح اصلاحات مالی و اقتصادی مدنظر صندوق بین المللی پول نیز به نوعی مکمل رویکرد رژیم صهیونیستی محسوب می شود. اخیراً نیز بانک مرکزی لبنان با قرار دادن مؤسسه قرض الحسن ذیل «مؤسسات مالی بدون مجوز»، معاملات (اعم از مستقیم یا غیرمستقیم، کلی یا جزئی) با این مؤسسه را ممنوع اعلام کرده است. در طول جنگ اخیر، رژیم صهیونیستی چندین حمله هوایی به شعب قرض الحسن انجام داد. اقدامات اخیر حکومت مرکزی لبنان علیه قرض الحسن چند روز پس از آن صورت می گیرد که وزارت خزانه داری آمریکا دور جدیدی از تحریم ها را در ۳ ژوئیه علیه هفت مقام ارشد و یک نهاد مرتبط با این انجمن اعمال کرد و آنها را به «دخاله در توانمندسازی حزب الله برای انتقال وجوه از طریق سیستم مالی لبنان» متهم کرد (شبكة الجزيرة،

۲۰۲۵). هدف اصلی در این زمینه، حذف کانال‌های مالی غیررسمی و موازی حزب‌الله است. این فشارها در شرایط پس از جنگ ایران و رژیم صهیونیستی از دامنه و شدت بیشتری برخوردار شده است.

۲. الگوی در حال شکل‌گیری در منطقه شامات متأثر از جنگ

چنانچه اشاره شد، جنگ ایران و رژیم صهیونیستی با توجه به دامنه و ابعاد، اهمیت و وزن راهبردی طرفین درگیر دارای تأثیرات مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی است. از این جهت می‌توان گفت جنگ ۱۲ روزه الگوی در حال تکوین نظم منطقه‌ای غرب آسیا از جمله زیرسیستم شامات را تحت تأثیر قرار داده است. در ادامه برخی از نشانه‌های نظم جدید شکل‌گرفته در زیرسیستم شامات متأثر از جنگ مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۲-۱. بی‌طرفی راهبردی شامات در جنگ ایران و رژیم صهیونیستی؛

تغییر در نقش‌های ژئوپلیتیکی

لبنان و سوریه حوزه‌های راهبردی هستند که نقش محوری در شکل‌دهی به الگوهای موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا دارند. لذا اصولاً پذیرش بی‌طرفی آنها در رویدادهای نظم‌سازی چون جنگ رژیم صهیونیستی و ایران امری دشوار است. برای دو کشوری که دهه‌ها در کانون مناقشات ژئوپلیتیکی و ژئوراهبردی منطقه‌ای قرار داشته‌اند، اصولاً بی‌طرفی در کانون مناقشات منطقه شامات معنایی ندارد. بر این مبنا، حتی اگر ادعای بی‌طرفی دمشق و بیروت در روند جنگ پذیرفته شود، در نهایت این جهت‌گیری نیز در شکل‌دهی به موازنه قوای طرفین درگیر تأثیرگذار خواهد بود.

نکته حائز اهمیت این است که موضع بی‌طرفی دمشق و بیروت می‌تواند سرآغاز تغییراتی جدی در زیرسیستم شامات باشد. در جریان جنگ رژیم

صهیونیستی و ایران، جریان‌های سیاسی غیرهمسو با حزب‌الله این جسارت را پیدا کردند تا خواسته بی‌طرفی خود را به کرسی بنشانند. حتی برخی از چهره‌های معارض در ادامه روند افزایش قیومیت ایالات متحده بر لبنان خواستار عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی شده‌اند (Rebeiz, 2025). اتخاذ چنین رویکردی می‌تواند زمینه‌ساز تغییر در نقش ژئوپلیتیکی لبنان در زیرسیستم شامات شود.

موضع بی‌طرفی سوریه نیز با توجه به جهت‌گیری جدید سیاست خارجی این کشور قابل تأمل بود. برای اولین بار در طول دهه‌های اخیر، سوریه از درگیری‌های مستقیم محور مقاومت و رژیم صهیونیستی کناره‌گیری کرده است. فراتر از همه، دمشق تنها پایتخت منطقه‌ای بود که حملات رژیم صهیونیستی به ایران را محکوم نکرد. سوریه که زمانی هدف اصلی حملات هوایی رژیم صهیونیستی بود، در جنگ ۱۲ روزه به‌عنوان کربدوری ترانزیت برای جنگنده‌های رژیم عمل کرد. این جنگنده‌ها در حریم هوایی شرق سوریه سوخت‌گیری کرده و از این طریق مناطقی را در عمق خاک ایران هدف قرار می‌دادند. این امر نشان‌گر تغییر بنیادی در نقش ژئوپلیتیکی سوریه است (The Arab Weekly, 2025).

گزارش‌های متعددی در خصوص گشودن حریم هوایی سوریه جهت رهگیری موشک‌ها و پهپادهای ایرانی وجود دارد. رژیم صهیونیستی بارها از حریم هوایی سوریه برای انجام حملات علیه ایران استفاده کرده که این امر نشان می‌دهد تفاهات غیررسمی در این خصوص از قبل وجود داشته است (Ben Ari, 2025). علاوه بر این، تحرکات حکومت الشرع در بحبوحه جنگ ایران و رژیم صهیونیستی برای کنترل مرزهای مشترک با لبنان، عراق و تقویت امنیت مرزهای مشترک با رژیم، فرضیه بی‌طرفی دمشق در روند جنگ

را رد می‌کند.

۲-۲. تبدیل سوریه به الگویی برای لبنان و عراق

اظهارات اخیر تام باراک با محوریت اعمال فشار بر لبنان با الگوگیری از نظام سیاسی سوریه جدید، به‌نوعی الگوی جدید راهبردی آمریکا را برجسته می‌سازد: «سوریه به‌سرعت در حال پیشرفت و توسعه است. در صورتیکه لبنان به سرعت چاره‌ای نیندیشد و زرادخانه حزب‌الله را از بین نبرد، به سرزمین شام ضمیمه خواهد شد». هرچند باراک در پاسخ به واکنش‌ها در خصوص اظهاراتش اعلام کرد که هدف وی، ستایش «گام‌های چشمگیر سوریه» بوده نه «تهدید لبنان» (Massoud, 2025)؛ اما مواضع وی سطح انتظار آمریکا از لبنان و لزوم الگوگیری این کشور از سوریه جدید را مورد تأکید قرار داد. دولت لبنان با محدودیت‌های عملیاتی قابل توجهی به‌ویژه از حیث ظرفیت نظامی و لجستیکی مواجه است که مانع از توانایی آن برای اعمال انحصار کامل بر سلاح می‌شود. این امر ترتیبات امنیتی موقت از جمله همکاری با سوریه را به سناریویی محتمل به‌ویژه برای حفظ امنیت در دره بقاع و در امتداد مرزهای شرقی و شمالی تبدیل می‌کند. دولت ترامپ نیز خواستار ورود کنترل‌شده حکومت الشرع به پرونده لبنان است. یکی از خواسته‌های اخیر آمریکا از لبنان، هماهنگی با دمشق برای رسیدگی به مسائل حل‌نشده فیما بین از جمله تعیین مرزهای مشترک و مسئله پناهندگان سوری در لبنان است.

۲-۳. افزایش پیوستگی و تداخل زیرسیستم‌های غرب آسیا

خلاً قدرت ایجادشده در زیرسیستم شامات (به‌ویژه لبنان و سوریه) تلاش‌های بازیگران عربی، ترکیه و رژیم صهیونیستی برای تأثیرگذاری بر روند تحولات این دو کشور را دوچندان کرده است. لذا در شرایط جدید به‌ویژه پس از جنگ

رژیم صهیونیستی و ایران، رقابت فزاینده‌ای بین قدرت‌های منطقه‌ای در مناطق و حوزه‌های مورد مناقشه شکل گرفته است. این امر زمینه‌ساز افزایش پیوستگی و تداخل زیرسیستم‌ها در منطقه غرب آسیا خواهد شد. در چنین شرایطی، الگوهای دوستی و دشمنی در فضای منطقه‌ای نیز تغییر یافته و محدودیت‌ها و فرصت‌های خاصی را متوجه رفتار راهبردی کشورها می‌کند. در این چهارچوب، تغییرات در زیرسیستم شامات ممکن است تحت تأثیر رخدادها در زیرسیستم خلیج فارس باشد یا اینکه تبعات کنشگری در زیرسیستم شامات می‌تواند الگوی رفتار سایر کشورها در زیرسیستم‌های آفریقا یا مدیترانه را تحت تأثیر قرار دهد.

واضح است که در چنین شرایطی، متغیرهای متعددی از سایر زیرسیستم‌ها وارد محیط منطقه‌ای غرب آسیا می‌شوند که در نهایت، بروندادهای سیاست منطقه‌ای تمامی کشورها را متأثر می‌سازند. ترکیه و رژیم صهیونیستی رقابت‌های محسوسی در زیرسیستم‌های شامات، قفقاز، مدیترانه، خلیج فارس و آفریقا با هم دارند. جمهوری آذربایجان نقطه اشتراک دو طرف در منطقه قفقاز به‌شمار می‌آید. باکو تلاش کرده نقش کلیدی در ایجاد موضعی مشترک میان جاه‌طلبی‌های ترکیه در سوریه و نگرانی‌های امنیتی رژیم صهیونیستی ایفا کند. اخیراً دو طرف دیدارهای مخفیانه‌ای در باکو با محوریت سوریه داشته‌اند. دیدار احمد الشرع از جمهوری آذربایجان نیز به مجرای برای دیدارهای مخفیانه هیئت سوری با مقامات رژیم صهیونیستی تبدیل می‌شود (Times of Israel, 2025). پس از این دیدارها بود که درگیری‌های جنوب سوریه با محوریت استان سویدا توجهات را به خود جلب نمود. علاوه بر این، آذربایجان اعلام کرد صادرات گاز به سوریه را از طریق ترکیه آغاز خواهد کرد.

رقابت برای نفوذ در زیرسیستم شامات می‌تواند تنش‌های امارات متحده عربی و عربستان سعودی را تشدید کند، چراکه دو طرف از گروه‌های معارض در یمن و سودان حمایت می‌کنند. اقدام احتمالی ایران در انسداد تنگه هرمز یا کنشگری مشابه انصارالله در تنگه باب‌المندب نیز می‌تواند الگوهای پیوستگی و تداخل در سایر زیرسیستم‌های منطقه غرب آسیا را متأثر سازد.

۳. چشم‌انداز پیش‌رو

در برهه پس از جنگ ۱۲ روزه، رژیم صهیونیستی و آمریکا از طریق دامن زدن به تنش‌های فرقه‌ای- مذهبی در صدد تغییر قواعد بازی و پیشبرد اهداف خود در لبنان، سوریه و عراق هستند. پس از موفقیت نسبی در پیشبرد سناریوی آشوب فرقه‌ای در استان سویدا، شواهد حاکی از آن است که رژیم صهیونیستی توسعه دامنه تنش‌های فرقه‌ای به درعا (سوریه)، طرابلس و بقاع (لبنان) و در گام بعدی در عراق را دستور کار دارد.

تکرار آشوب‌های فرقه‌ای- مذهبی سویدا در لبنان و عراق از جمله مداخله رژیم صهیونیستی با هدف الحاق سرزمین‌های جدید می‌تواند زمینه‌های لازم را برای فعال‌سازی هسته‌های داعش و النصره فراهم کند. در این خصوص، حساسیت‌های قابل توجهی در میان جریان‌های سیاسی لبنانی و عراقی وجود دارد. این عامل می‌تواند در جهت همگرایی جریان‌های سیاسی این دو کشور مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

تحولات اخیر در جنوب سوریه، نگرانی اهل سنت و مسیحیان لبنانی را برانگیخته است. نجیب میقاتی در دیدار اخیر خود با ولید جنبلاط خواستار «اتحاد ملی برای ایستادگی در برابر فتنه در سوریه و جلوگیری از گسترش آن به لبنان» شد. میقاتی در دیدار با پاتریارک «یوحنا دهم» نیز ضمن ابراز

نگرانی از حمله ۲۲ ژوئن به کلیسای «مار یاس» در دمشق، تنها راه حل جلوگیری از تکرار چنین رویدادهایی را «حفظ همبستگی» دانست. در ابتدا این عملیات انتحاری به داعش نسبت داده شد اما بعداً گروه «سرایا انصارالسنه» مسئولیت آن را بر عهده گرفت. گروه مذکور حمله خود را پاسخی به «تحركات مسیحیان علیه سنی‌ها» توصیف کرد. واضح است که این آشوب‌های فرقه‌ای مسائل امنیتی جدیدی را برای لبنان، عراق و سایر کشورهای عربی ایجاد می‌کند. در این ارتباط، اخیراً ویدئویی از سه نفر منتشر شد که تشکیل «تیپ شیخ احمد الاسیر» را اعلام و دولت لبنان را تهدید می‌کردند (عادل، ۲۰۲۵). موارد مذکور ادراک فزاینده‌ای را در صحنه سیاسی لبنان و عراق نسبت به تبعات سیاسی-امنیتی سناریوی خلع سلاح به وجود آورده است.

نتیجه‌گیری

سناریوی «خلع سلاح از طریق زور» که دولت لبنان دست کم در سطح اعلانی با آن مخالفت نموده، در شرایط پس از جنگ ایران و رژیم صهیونیستی به گزینه محتمل‌تری تبدیل شده است. در حال حاضر، رهیافت گام به گام بر تحویل سلاح‌های باقی‌مانده در دره بقاع و حومه جنوبی بیروت متمرکز است. به‌طور همزمان رژیم صهیونیستی به ترورهای هدفمند خود علیه کادر نخبه حزب‌الله ادامه داده و در مواردی چون جنگ مستقیم با ایران، از طریق تهدید به فعال‌سازی گزینه نظامی، مانع از ورود حزب‌الله به عرصه میدان نبرد می‌شود.

تلاش بر این است که در برهه حاضر هزینه‌های کنشگری نظامی حزب‌الله افزایش یافته و در صورت ورود احتمالی این جنبش به درگیری مستقیم ایران

و رژیم صهیونیستی از طریق فشار سیاسی و اجتماعی ضربات جدی بر منافع حزب الله وارد آید. در چنین فضایی، اتخاذ موضع «بی طرفی» به عنوان جهت گیری اصلی حکومت های مرکزی لبنان و سوریه در قبال جنگ ایران و رژیم صهیونیستی در نهایت ایجاد شکاف راهبردی میان اجزای محور مقاومت را امکان پذیر می سازد.

در صحنه داخلی لبنان، دوگانه «سلاح حزب الله برای لبنان» یا «سلاح حزب الله برای ایران»، سطح و دامنه کنشگری جنبش در شرایط بحرانی چون جنگ ایران و رژیم صهیونیستی را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد. در شرایطی که «سلاح حزب الله» در حوزه منطقه ای و در پیوند ارگانیک با محور مقاومت معنا و مفهوم خود را از دست بدهد، در صحنه داخلی نیز سلاح به - مثابه چالشی در برابر انحصار کاربرد زور توسط دولت مرکزی انگاره سازی می - شود.

لذا پس از تحمیل سناریوی آتش بس، در دوره قبل و حین جنگ با ایران نیز منع هرگونه کنشگری بر حزب الله تحمیل می شود. از این طریق، دو هدف محوری «خلع سلاح حزب الله» و جنگ جداگانه رژیم با بازیگران محور مقاومت امکان پذیر می گردد (ابتکار عمل رژیم صهیونیستی در تعیین صحنه نبرد). در سوریه نیز با هماهنگی های به عمل آمده، رژیم صهیونیستی در حال استقرار کریدور زمینی دروزی - کردی با هدف محاصره راهبردی ایران است. در نهایت، تحولات فوق سیگنال تضعیف شرکا و متحدان منطقه ای ایران را در راستای پی ریزی نظم مطلوب رژیم صهیونیستی در غرب آسیا به سایر بازیگران مخابره خواهد کرد.

منابع

۱. شبکه الجزیره. (۱۵ يونيو ۲۰۲۵). لبنان يحظر التعامل مع جمعية القرض الحسن التابعه لحزب الله. استعاده من شبكة الجزيرة: <https://shorturl.at/sygBS>
۲. الشرق الأوسط. (۲۰ يونيو ۲۰۲۵). إسرائيل تحذر «حزب الله» من دخول الحرب إلى جانب إيران. استعاده من الشرق الأوسط: <https://shorturl.at/yAljK>
۳. الغد. (۲۰ يونيو ۲۰۲۵). واشنطن تحذر حزب الله من التدخل في الصراع الإسرائيلي الإيراني. استعاده من الغد: <https://shorturl.at/v81Ns>
۴. عادل، ا. (۲۸ يونيو ۲۰۲۸). قسورة يعود من الظل.. هل ينهض داعش من ركامه اللبناني؟ استعاده من نيوز روم: <https://newsroom.info/93719>
5. Ben Ari, L. (12 July 2025). Report: Israeli, Syrian officials to meet during al-Sharaa visit to Baku. Y Net News. Available at: <https://www.ynetnews.com/article/rkxzrkeugg>
6. Hendrix, S. (21 June 2025). Israeli strikes on Iran cap dramatic shift in Mideast strategic balance, Washington Post. Available at: <https://www.washingtonpost.com/world/2025/06/21/israel-iran-middle-east-strategic-balance/>
7. Massoud, A. (12 July 2025). Lebanon faces existential threat unless it addresses Hezbollah weapons, US envoy warns. The National News. Available at: <https://www.thenationalnews.com/news/us/2025/07/11/tom-barrack-lebanon-hezbollah/>
8. Rebeiz, M. (9 July 2025). A weakened Iran and Hezbollah gives Lebanon an opening to chart path away from the region's conflicts – will it be enough? The Conversation. Available at: <https://theconversation.com/a-weakened-iran-and-hezbollah-gives-lebanon-an-opening-to-chart-path-away-from-the-regions-conflicts-will-it-be-enough-260031>

9. The Arab Weekly. (19 July 2025). Syria's break with Iran under new government redefines regional geopolitics. Available at: <https://the arabweekly.com/syrias-break-iran-under-new-government-redefines-regional-geopolitics>

10. The Emirates Policy Center. (10 July 2025). Lebanon's Path to Reclaiming Sovereignty: Implications of the Israel-Iran War for Hezbollah's Status and Weaponry. Available at: <https://epc.ae/en/details/scenario/lebanon-s-path-to-reclaiming-sovereignty-implications-of-the-israel-iran-war-for-hezbollah-s-status-and-weaponry>

11. Times of Israel. (12 July 2025). Syrian and Israeli officials expected to meet in Azerbaijan as Sharaa visits. Available at: <https://www.timesofisrael.com/syrian-and-israeli-officials-expected-to-meet-in-azerbaijan-during-sharaas-visit/>

12. Zehavi, S. (8 July 2025). Hezbollah's Arsenal Under International Scrutiny, But This Isn't Enough. The Alma Research and Education Center. Available at: <https://israel-alma.org/hezbollahs-arsenal-under-international-scrutiny-but-this-isnt-enough/>



«پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت» به منظور پاسخگویی به بخشی از نیازهای پژوهشی کشور در راستای تولید شناخت جامع از محیط امنیت ملی، پاسخگویی به نیازهای پژوهشی و مطالعاتی، انجام پژوهش‌های کاربردی و استقرار سیاست‌های پژوهش‌مبنا و تقویت فرآیند سیاستگذاری و حکمرانی کشور با رویکردی علمی و راهبردی تأسیس شد.

این مرکز در حال حاضر با چهار پژوهشکده «مطالعات راهبردی»، «ابرار معاصر تهران»، «مطالعات حکمرانی فرهنگی و اجتماعی» و «علوم و فناوری‌های نوظهور» در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیت بین‌الملل و فناوری‌های نوظهور مشغول به فعالیت است.